

کیمیان

در مطلب حاضر نویسنده با اشاره به اهمیت امنیت فردی و اجتماعی و نگاه اسلام به این مقوله، درباره راهکارهای اولیه و اصلی تأمین امنیت براساس آیات قرآن و روایات سخن گفته است.

امنیت از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر است؛ زیرا حفظ و بقای جان آدمی به امنیت بستگی دارد و مهمترین چیزی که انسان از آن می‌هراسد و می‌ترسد، ترس از دست دادن جان است.

البته هر انسانی می‌داند و می‌بیند که مرگ جان آدمی را می‌گیرد و جسدی بی‌جان را به جا می‌گذارد. پس در زندگی دنیوی، ترس از مرگ سبب واقعی‌ترین گریز ناپذیر انسان و آسان در نهایت باید این دنیای فانی را به قوتی آخرت دلی از ترک کرد و رحل اقامت در سراسری دیگر افکند؛ اما تلاش انسان همواره معطوف به این معنا است که خود را در شرایطی قرار دهد که بیشترین عمر ممکن را بکند و اگر توانست تا هزار سال عمر کند. خداوند درباره گرایش پیودیان به زندگی دنیوی و فرار از مرگ به هر طریقی می‌فرماید: *وَلْتَجِدْنَهُمْ أَرْحَضَ النَّاسِ عَلٰی حَيَاةٍ وَمِنَ الدِّينِ أَشْرَكُوا يُوَدُّونَ أَنْ يُعْرَضُوا كَأَنَّمَا أَفَّ سُنَّةٌ؛* آنان را مسلما ازمندترین مردم به زندگی و حتی حریصی‌تر از کسانی که شرک می‌ورزند خواهی یافت هر یک از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند(بقره، آیه ۹۶)

از نظر قرآن، مهمترین اقسام امنیت برای انسان همان امنیت فردی و امنیت اجتماعی است؛ زیرا هر انسانی در جهان مادی دنیوی دارای دو نیاز است که در قالب فردی و اجتماعی تأمین می‌شود.

امنیت فردی، حالتی است که در آن شخص از لحاظ جسمی و روحی، فارغ از ترس نسبت به آسیب‌رسیدن به جان، مال یا آبروی خود یا از دست‌دادن آنها زندگی کند.

مهمترین مساله در امنیت فردی تأمین و حفظ جان و بقای آن در حالت مطلوب و آرمانی است؛ زیرا انسان مال را برای حفظ و بقای جان خویش می‌خواهد و آن را مایه بقای حیات خود می‌داند.البته در مرتبه دوم، از نظر هر فرد انسانی، مال تأمین کننده آسایش و رفاه در زندگی است؛ ولی در کام نخست‌مهمترین ارزشی که برای مال قائل است همان تأمین و حفظ حیات و جان خویش است.

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و تنها از طریق اجتماع و بده و بستان‌های اجتماعی است که می‌تواند برخی از نیازهای مهم بویژه عاطفی خویش را برطرف کند، ناچار است تا از این جهت نیز احساس امنیت بکند و در جامعه کوچک خانواده که گاه ترکیبی از همسر و گاه همسر و فرزندان است، احساس امنیت بکند و بتواند در اجتماع و از طریق آن، نیازهای عاطفی و معنوی خویش را برآورده سازد و به کمالاتی دست یابد که جز از راه اجتماع دست یافتنی نیست.

البته آنچه از امنیت اجتماعی در متون اسلامی و غیر اسلامی مراد است، امنیت اجتماعی فراتر از اجتماع خانوادگی است؛ زیرا مراد از مفهوم از امنیت اجتماعی، همان امنیت جان، مال، آبرو و موقعیت شخص از جانب عوامل اجتماعی است. هر شخصی دارای موقعیت‌های اجتماعی است و دوست می‌دارد تا از سوسی اجتماع به گونه ای یا او رفتار شود که جان و مال و عرض او در امان و امنیت باشد و چیزی آن را به مخاطره بیندازد.

یابد توجه داشت که امنیت اجتماعی در این مفهوم، از فراگیری و جامعیتی برخوردار است که دیگر انسانها و انواع انسان را نیز دربر می‌گیرد؛ زیرا امنیت سیاسی، امنیت نظامی، امنیت انتظامی، امنیت شغلی، امنیت اخلاقی و دیگر امنیت‌ها از مصادیق امنیت اجتماعی است؛ چرا که هر یک از این اقسام و انواع تأمین کننده امنیت جان، مال و عرض شخص است که مهمترین دغدغه و محورهای امنیت اجتماعی است که می‌تواند برخی از نیازهای مهم بویژه عاطفی و امنیت اجتماعی محدود می‌شود.

نقش ایمان و عمل صالح در تأمین امنیت

از نظر قرآن، مهمترین عامل در تأمین امنیت، ایمان است. از این رو واژه

«امن» در دو امر ایمان و امنیت به کار گرفته شده است. به سخن دیگر، تنها کسی احساس امنیت و امان خواهد کرد که دارای ایمان باشد و کسی که فاقد ایمان است، فاقد امنیت خواهد بود.(فصلت، آیه ۴۰) پس اگر فاقد ایمان، احساس امنیت کند، باید آن را از مصادیق احساس امنیت کاذب و دروغین دانست که شکی از گرفتار توهم احساس امنیت کرده است.
باید گفت ارتباط ایمان و امنیت، ارتباط لازم و ملزومی است که هیچ گونه جدایی از هم ندارد. پس هر جا امنیتی هست ایمان نیز وجود دارد و هر جایی که ایمان باشد امنیت است. از این رو خداوند در آیات بسیاری بیان می‌کند که اهل ایمان، هر گز گرفتار خوف و ترسسی از آینده نیستند؛ چنانکه حزن و اندوهی نسبت به گذشته ندارند؛ زیرا ایمان ایشان تأمین کننده امنیت کلملی است که هر گونه حزن و خوفی را برمی‌دارد.

ارزش امنیت فردی و اجتماعی



البته باید توجه داشت که این ایمان نمی‌تواند یک عقد قلبی و عقیده بی‌عمل باشد، بلکه چون عقیده و عقد قلب است، به طور طبیعی همراه با عمل است. از این رو، در هر جایی که سخن از ایمان است، سخن از عمل صالح نیز هست و از نظر قرآن، فرد تنها در چنین حالتی است که احساس امنیت جامع و مطلق و کامل می‌کند.(بقره، آیت ۱۱۲ و ۲۶۲ و ۲۷۷؛ آل عمران، آیه ۱۷۰)
ایمان حالتی در انسان است که تمام فکر و عمل او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، برای دستیابی به چنین ایمانی سازو کارهایی در آیات و روایات بیان شده است که باید بدان عمل کرد. از مهمترین این ساز و کارها دستیابی به عبودیتی است که از راه عمل به آموزه های وحیانی و شرعی اسلام ایجاد می‌شود و موجب دستیابی انسان به تقوایی می‌شود(بقره، آیه ۲۱) که تعلیمات مستقیم الهی را در پی خواهد داشت(بقره، آیه ۲۸۲؛ انفال، آیه ۲۹؛ طلاق، آیات ۲ و ۳) و انسان را به یقین و شاخه های سه گانه آن می‌رساند(تکاور، آیات ۵ و ۷؛ اقصه، آیه ۹۵) به عنوان نمونه از نظر امام صادق (ع) ورع و پارسایی، ایمان را در بنده، استوار کرده و طمع و آزمندی، ایمان را در دل بیرون می‌کند، همچنان که علایم پنجگانه مومن از دیدگاه امام سجّاد(ع)، پارسایی در خلوت، صدقه‌دان هنگام تنگدستی، صبر هنگام مصیبت، حلروزری هنگام عیصانیت و صداقت در زمان خوف(میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، ۱۳۲۲، ج: ۱، ص: ۳۴)؛ موجب می‌شود تا انسان در چنین مرتبه ای از

می‌کند: «فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت مند، دارای وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مخترع به ایرانی بودن».
در سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز مسائل زیر تصریح شده است:

توسعه نظم و امنیت عمومی.

توسعه قانون گرایي، تقویت انضباط اجتماعی و وجدان کاری.

در سیاست‌های کلی نظام اداری نیز آمده است:

قانون گرایی، اشاعه فرهنگ مسئولیت پذیری اداری و اجتماعی، پاسخ گویی و تکريم ارباب رجوع و شهروندان و اجتناب از مواجهه سلیقه‌ای و فردی در همه فعالیت ها.

نهادینه سازی وجدان کاری، انضباط اجتماعی، فرهنگ خود کنترلی، امات داری، صرفه جویی، ساده زیستی و حفظ بیت‌المال.

تنظیم روابط و مناسبات اداری بر اساس امنیت روانی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و نیز تقای نسبی احاد جامعه.

در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه نیز، گزاره‌های بسیاری از جمله سنل زیر وجود دارد:

سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

امور فرهنگی
تقویت قانون گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری و خود باوری، روحیه کاری، ابتکار، درست کاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقا کیفیت در تولید.

امور اجتماعی
تقویت و کار آمد کردن نظام بازرسی و نظارت، اصلاح قوانین و مقررات برای رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی.
یکپارچگی در سیاست گذاری، برنامه ریزی، ارزشیابی، نظارت و تخصصی سازی عمومی.

ارتقای شاخص‌های سلامت هوا، امنیت غذا، محیط، بهداشت جسمی و روحی.

ارتقای امنیت اجتماعی.
مبارزه همه جانبه با مواد مخدر و روان گردان و اهتمام به اجرای سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر.

سامان بخشی مناطق حاشیه نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن.
در همین راستا، لایحه برنامه پنج ساله شهرداری تهران، انبوهی از گزاره‌های مربوط به انضباط اجتماعی را در بخش‌های مختلف از جمله: چشم انداز شهر تهران، اهداف کلی شهر تهران، راهبردهای توسعه شهر تهران و به ویژه طرح‌های موضوعی بهترین نوع شهر تهران که اکثر قریب به اتفاق آنها با انضباط اجتماعی پیوند دارد، توجه کرده است.

۲. اصول

رعایت اصول، در همه مسائل اهمیت کار کردی دارد و یکنواخت‌سازی، همسو سازی، پرهیز از موازی کاری و چند باره کاری و هماهنگ سازی اقدامات را می‌تواند به همراه داشته باشد.

تصرف اصول می‌تواند برد زمانی بلند مدت قواعد برخاسته از آن، جامعیت و شمول، تعیین تکلیف مصادیق تازه، پرهیز از پل‌تکلیفی بلند مدت، انعطاف و پداندینه سازی مسائل را به همراه داشته باشد. قرآن کریم نیز سه نوع معصومین(ع) در تعیین و تبیین اصول و واگذاری تطبیق آنها به مکلفان از مؤمنان استوار است و به همین دلیل فقه شیعه که عهده دار انضباط بخشی به زندگی اجتماعی مؤمنان است، و پواخ گوی و شرایط زمانی و مکانی مختلف است. با این استدلال بخش اصول در نوشتار حاضر و بلکه برای هر طرخی، زیر بنایی، مبنایی و دارای اولویت ویژه دو چندان است.

در این معنا که مانند بیشتر و بلکه همه مقولات مربوط به انسان، این مقوله باید بررسی شود و حوزه‌های مختلف از دیدگاه تخصصی خود در این باره نظریه و دیدگاه دارد.

نظم و انضباط که موضوعی جامعه‌شناختی است و گرایشی تخصصی در چارچوب نظریه‌های ایجاد نظم است، در علوم سیاسی به آن تحت عنوان «انضباط اجتماعی» بهترین نوع حکومت، بهترین نوع قانون و توجیه چرایی اطاعت از قانون توجه می‌شود.
علم اخلاق ضمن بحث تخصصی از نظم فردی و نقش آن در رشد و تعالی فرد، جنبه‌های اجتماعی موضوع را در قالب کلی رعایت حق الله و حق الناس (احترام به حقوق مردم، خویشان، زندگان و وابستگان، رعایت

معارف Maaref@Kayhan.ir

تقوای عملی و ایمانی قرار گیرد.

بر اساس آموزه های اسلام، کسب امنیت کامل و مطلق و جامع تنها در ایمان همراه با عمل صالح است. برای به دست آوردن آن نیز سازو کارهایی بیان شده که برخی از آنها عبارتند از: عبادت شرعی، تقوای الهی، اقامه عدالت و قسط، رعایت حرمت و حقوق انسانها، دفاع از مظلومان، برخورد با مفسدان و مجرمان، رفع فقر از جامعه، تأمین رفاه و معیشت مردم، حفظ آزادیهای مشروع، حاکمیت عادلانه، حقانی و قانونی و همه آن چیزی که در قالب احکام پنج گانه شرعی (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) بیان شده است.

از نظر اسلام، نگاه شخص به مفهوم کرامتی انسان موجب می‌شود تا فراتر از «حیوان ناطق» او را «موجود مثاله» و خدایی ببیند و در جایگاه خلیفه الله و جانشین خدا یا او تعامل داشته باشد. بر این اساس، هر کسی خود را موظف

از امنیت فراگیری در جامعه برخوردار بوده و امت و امام باید حافظ این امنیت باشند. پیامبر(ص) می‌فرماید: «کل المسلم علی المسلم حرام ماله و عرضه و دمه، حسب امره من الشَّرّ ان یختر اِخاه المسلم؛ همه چیز مسلمان، از مال و آبرو و خویش بر مسلمان حرام است. برای مرد همین شرس این که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند» (نهج الفصاحه، تکلیفی، ۱۳۷۴: ۱۳۸).
بنابراین، کسی نمی‌تواند متعرض امنیت مومن مردم با انعامی تکبیر امنیت او را و به خطر افکند. از آنجا که اسلام و ایمان امری باطنی و درونی است کسی نمی‌تواند مدعی شود که چه کسی در کدام مرتبه است؟ یا کسی را منتهم به شرک و کفر و نفاق کند، مگر آنکه خداوند باشد یا علمان و نشانه های قطعی در کار نمایان گردد. خداوند به صراحت در این باره به مسلمان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: یا أَيُّهَا الدِّينَ اَمْتُوا اِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ اَنفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبَيَّنُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْذَرُ اللّهِ مَنْتُمْ كَثِيرَةٌ كَذٰلِكَ كَتَبْنَا فِي قُلِّ فَمَنْ لَّهِ عَلَيْهِمْ فِتْنَةٌ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰمٌ بٰمَنْ تَعْمَلُوْنَ خَيْرًا؛ ای کسانی که ایمان اید! چون در راه خدا سفر می‌کنید، خوب رسیدگی کنید و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند، مگویید: تو مؤمن نیستی! یا بدین بهانه متاع زندگی دنیا را بجویید؛ چرا که غنیمتهای فراوان نزد خداست. قبلا خودتان نیز همین گونه بودید و خدا بر شما منت نهاد و مسلمان و مومن شدید. پس خوب رسیدگی کنید که خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.(نساء، آیه ۹۴)

در آیات قرآن بیان شده که اسلام گام نخست است که با شهادتین آغاز می‌شود و سپس با آزمون‌های الهی این اسلام در قلب چنان رخنه می‌کند که ایمان تحقق می‌یابد و با عبادت و اعمال صالح این ایمان رشد می‌کند. خداوند می‌فرماید: برخی از اعراب و بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردیم، بگو: ایمان نیاورده‌اید، لیکن بگویید: اسلام آوردیم؛ و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از ارزش کرده‌هایتان چیزی کم نمی‌کند. خدا آمرزنده مهربان است.(حجرات، آیه ۱۴)

از نظر قرآن، مراتب ایمان و تقوای سه گانه سه نوع یقین را نیز به دنبال خواهد داشت. خداوند می‌فرماید: لَيْسَ عَلٰی الدِّينِ اَمْتُوا وَعَمَلُوا الصّٰلِحٰتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعُمُوا اِذَا مَا اَقْبَوُا وَاَمْتُوا وَعَمَلُوا الصّٰلِحٰتِ ثُمَّ اَقْبَوُا وَاَمْتُوا ثُمَّ اَقْبَوُا وَاخْتَسَبُوا وَاَللهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ؛ بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، فرمودند: همان گونه که مرد را زن و فرزندانش می‌شناسند، مؤمن در آسمان شناخته می‌شود. او نزد خدا، از فرشته مقرب، گرم‌تر است»(همان، ج ۱۹: ۶۸).
بر اساس آموزه های اسلام، هر انسانی دارای یک کرامت تکوینی است. (اسراء، آیه ۷۰) از این میان کسی که شهادتین را بر زبان راند و در جامعه اسلامی به عنوان شهروند امت اسلام شناخته شد، از یک درجه برتری از کرامت برخوردار خواهد بود که کرامت انسانی است. بنابراین، شهادت گو در اسلام دارای کرامت انسانی است و درجه او برتر از کسی است که تنها از کرامت تکوینی برخوردار است. در همین چارچوب هر مسلمانی به عنوان اهل اسلام

می‌داند تا دیگری را به عنوان خلیفه الله بشناسد و با او رفتار و معاشرت داشته باشد. کسی که اهل ایمان است و به عنوان مومن شناخته می‌شود، دارای ارزش و جایگاهی برتر است و باید به گونه‌ای دیگر با او برخورد کرد و معاشرت داشت. امام صادق (ع) در تبیین کرامت انسانی مومن می‌فرماید: «المؤمن اعظم حرمة من الکعبة؛ حرمت مومن از کعبه بیشتر است»(بحارالانوار، ج ۶۷ و ۷۱) ج ۶۸: ۱۶.

روایت شده که پیامبر اکرم (ص) به کعبه نگاه کرد و فرمود: «اقرین به تو خانه؛ چقدر نزد خدا ارجمند و محترمی! اما به‌خدا قسم حرمت مومن از تو بیشتر است؛ زیرا خداوند از تو یک چیز را حرام کرد و از مومن سه چیز را؛ مالش، را خویش را و گمان بد بردن به او را. (همان، ج ۶۷: ۷۱) ایشان همچنین فرمودند: همان گونه که مرد را زن و فرزندانش می‌شناسند، مؤمن در آسمان شناخته می‌شود. او نزد خدا، از فرشته مقرب، گرم‌تر است»(همان، ج ۱۹: ۶۸).
بر اساس آموزه های اسلام، هر انسانی دارای یک کرامت تکوینی است. (اسراء، آیه ۷۰) از این میان کسی که شهادتین را بر زبان راند و در جامعه اسلامی به عنوان شهروند امت اسلام شناخته شد، از یک درجه برتری از کرامت برخوردار خواهد بود که کرامت انسانی است. بنابراین، شهادت گو در اسلام دارای کرامت انسانی است و درجه او برتر از کسی است که تنها از کرامت تکوینی برخوردار است. در همین چارچوب هر مسلمانی به عنوان اهل اسلام

پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «الْاَئِمَّةُ لِمَنْ سَتَى الْمَوْمِنُ مَوْمِنًا؛ لامانه الناسی علی الفیضهم و امولهم؛ آیا به شما بگویم که هر چو مومن نامیده شده است؛ چون جان و مال مردم از (تعرض) او در امان است»(همان، ج ۶۷: ۶۰).
همچنین آن حضرت (ص) فرموده‌اند: «روا نیست که مسلمانی مسلمان دیگر را بترساند... مسلمان را مترسانید که ترسانیدن مسلمان، ستمی بزرگ

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

صفحه ۸

یکشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۶

۷ شوال ۱۴۳۸ - شماره ۲۱۶۶۰

است... هر که به خدا و روز جزا مؤمن است، مسلمانی را نترساند... هر که مؤمنی را بترساند بر خدا واجب است روز قیامت ایمنش نکند» (نهج الفصاحه، تکلیفی، ص ۱۲۹).

ملاحظه می‌شود که امنیت در تفکر اسلامی، نه تنها در مورد جان و مال و عمل و حقوق و آزادیهای مربوط به این موارد صادق است، بلکه شامل شخصیت و شرف و حیثیت نیز می‌شود؛ و از جایی که پیامبر خاتم(ص) هدف بوده است، «هن اهان مؤمنًا فقد بارتی بالحرب؛ کسی که به مؤمنی اهانت کند، به تحقیق با من به جنگ پرداخته است» (تفسیر قمی، ج: ۱، ص: ۴۱)

این‌گونه احادیث به‌طور کامل و صریح بر حرمت و حفظ امنیت اشخاص تأکید دارند؛ به‌گونه‌ای که حتی خداوند ارکند و این امر به مسلمان هشدار می‌دهد و مؤمن برای خودش نیز جایز نیست. در روایت است: ان الله فوض الی المؤمنن اسوره کلها و لم یفوض الیه ان یتکون ذللیک؛ خداوند امور مومن را به خودش واگذار کرده است ولی به او اجازه نداده تا خود را ذلیل و خوار کند.(وسایل الشیعه، الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ص: ۱۰۱: ۴۲۴.)

چنان که گفته شد، کرامت اساسی از نوع ذاتی برای همگان است و باید به پاس این کرامت، هر کسی در امنیت باشد، بنابراین حرمت‌داشتن امنیت فردی و اجتماعی افراد، تنها مختص مسلمانان نیست، بلکه تمامی کسانی که در پناه کشور اسلامی زندگی می‌کنند؛اعم از مسلمان یا غیر مسلمان را شامل می‌شود. بهترین نمونه این نگرش، اظهار ناراحتی و تأسف امام علی (ع) از تعدی به زنان مسلمان و غیر مسلمانی است که در جنگ مورد هجوم قرار گرفته و زیورها و خلیفاهای آنان توسط مهاجمین ربوده شده بود. امام از نبره‌های موسوم به غارات (شیخون‌ها) به دلیل آنکه حرمت انسانها، از مسلمان و غیر مسلمان شکسته می‌شد، رنج می‌برد. آن حضرت هنگامی که نبره‌های فرماندار معاویه (سفیان بن عوف غامدی) به شهر انبار حمله کردند و پس از قتل فرماندهٔ منطقه (شرش)، دست به تعدی و تجاوز نسبت به مردم زدند، چنین فرمود: «و اینک، فرماندهٔ معاویه (مرد غسانی) با لشکرش وارد شهر انبار شده و فرمانده منصوب آن (حسان بن غسان بکر) را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است، و من خبر رسیدم که مردی از لشکر شام به خانهٔ زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌های آنها را به‌غارت برده است؛ در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس‌کردن نداشته‌اند... اگر برای این حادثه تلخ، حوازه زنی تعدی به او تأسف بفرماید، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷).

پس برای تأمین امنیت افراد انسانی باید بر اصل کرامت و ارزش والای انسان و حفظ حرمت، شرافت، شخصیت، حیثیت و حریم او در همه ابعاد فردی و اجتماعی تأکید کرد و از هرگونه تعدی به این کرامت و حرمت جلوگیری کرد.

به هر حال، هر انسانی به سبب کرامت ذاتی و تکوینی دارای امنیت است و به سبب کرامت انسانی از امنیت فراگیری در دنیا و آخرت بهره‌مند خواهد شد. بنابراین، اذیت و آزار مسلمانان و مومن جایز نیست و مسلمان و مومن نباید دیگری را آزار رسانند و سلب امنیت و حرمت در برابر او روايت، حفظ امنیت سایر افراد و به‌تعمیر دیگر، عدم آزارسانی از نشانه‌های مؤمنین شمرده شده است؛ تا جایی که صفاتی مانند تعرض، خشونت، آبروریزی سایرین، ایجاد نامی و رعب و هراس در تقابل کامل با ایمان و رفتار مؤمنانه به‌حساب آمده است. امام حسین (ع) از این باره فرمودند: «مومن کسی است که همسایه‌اش از شر او در امان باشد. راوی از امام پرسید: منظور از شر چیست؟ امام فرمود: یعنی از ظلم و جور و غضب او ایمن باشد» (وسایل الشیعه، الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ص: ۱۲: ۱۲۶).

پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «الْاَئِمَّةُ لِمَنْ سَتَى الْمَوْمِنُ مَوْمِنًا؛ لامانه الناسی علی الفیضهم و امولهم؛ آیا به شما بگویم که هر چو مومن نامیده شده است؛ چون جان و مال مردم از (تعرض) او در امان است»(همان، ج ۶۷: ۶۰).
همچنین آن حضرت (ص) فرموده‌اند: «روا نیست که مسلمانی مسلمان دیگر را بترساند... مسلمان را مترسانید که ترسانیدن مسلمان، ستمی بزرگ

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.

کنترل کننده خود بیفزاید و همواره در هراس از فرو پاشی به سر ببرند. اما از سوی دیگر مدل‌های فرهنگی نظم از آنجا که بر نظامی از باورها، نمادهای ارزشی و فرهنگی بنا نشده‌اند، افراد جامعه آن را بدون هیچ اجبار و فشاری می‌پذیرند و قادرند پاسخ کاملی به دو مسئله پیش‌بینی‌پذیری و مشارکت پذیری بدهند. به همین دلیل نیز به راحتی می‌توان با اتکا به الگوهای فرهنگی نظم، رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف و مسئله ساز را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر، پیروی افراد از چنین الگوهایی نیز از آنجا که مبتنی بر ترس و تهدید نیست، با مشارکت و توأم با علاقه و رضایت از سوی افراد دنبال می‌شود.